

## سیری در تحولات حقوقی دیوان محاسبات از آغاز تا به امروز

# ■ دیوان محاسبات در آینه حقوق

کار: گروه تحقیق  
مسئول گروه: خیرالله شهبازی

### اشاره

از اختیارات مالی قوه مقننه، نظارت بر اجرای بودجه برای اطمینان از رعایت مقررات و اعتبارات مصوب توسط قوه مجریه است که باید با دقت و ورود در جزئیات و براساس اصول و ضوابط معینی صورت گیرد. بدین منظور گروه مجری و منحصمی به نمایندگی از سوی قوه مقننه، کار نظارت بر اجرای بودجه و قوانین و مقررات مالی و محاسباتی را برعهده می‌گیرند<sup>(۱)</sup>.

اولین بار در جهان پس از انقلاب کبیر فرانسه، حق تصویب مخارج و پیش بینی درآمدها و نظارت بر اجرای بودجه، محقق شد و در ۱۸۰۷ میلادی در زمان حکومت ناپلئون بناپارت دیوان محاسبات در آن کشور تأسیس شد و اصول و مقررات و تشکیلات آن رشد کرد و توسعه یافته و مورد تقلید و اقتباس سایر کشورها از جمله ایران قرار گرفت<sup>(۲)</sup>.

در کشورهای آنگلو ساکسون امر نظارت بر اجرای بودجه به وسیله ممیز کل حسابهای منتخب پارلمان، صورت می‌گیرد. در امریکا دفتر محاسبات عمومی "General Accounting office" که رئیس آن توسط رئیس جمهور با موافقت سنا برای مدت ۱۵ سال انتخاب می‌شود، امر نظارت بر اجرای بودجه، هزینه مالیات دریافتی و ممیزی حسابهای بخش اجرایی دولت، تا واری و کنکاش در برنامه ریزیهای دولتی را برعهده دارد<sup>(۳)</sup>.

در استرالیا، ایتالیا، یونان و فرانسه دیوان محاسبات جنبه دادگاه عالی مالی دارد و از اعتبار بالایی برخوردار است<sup>(۴)</sup>. در فرانسه دیوان محاسبات علاوه بر مشارکت در امر نظارت اداری بر اجرای مراتب و مراحل بودجه، به حسابها رسیدگی قضایی هم می‌کند و حساب کلیه ذی حسابان و صاحب جیمان را اعم از اینکه در حسابهای آنها اختلافی کشف شده باشد یا نشده باشد، رسیدگی می‌نماید و هر ساله به کلیه ذی حسابان، مفصلا حساب، می‌دهد و چنانچه اختلاف حسابی مشاهده شود در همان سال به پرونده رسیدگی می‌کند تا پرونده‌های مربوط به سنوات گوناگون به روی هم انباشته نگردد<sup>(۵)</sup>.

دیوان محاسبات در ایران، طبق دستور اصلهای ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، متمم قانون اساسی مشروطیت تأسیس شده است. گزارش حاضر با هدف شناخت ریشه ای جایگاه قانونی دیوان محاسبات، ابتدا به سیر تحولات آن پرداخته و ضمن تعریفی جامع از جایگاه این نهاد دیرینه، موقعیت آن را مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

۱- هاشمی، دکتر سید محمد: حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات دانشگاه بهشتی، بهار ۱۳۷۲، ص ۲۷۳

۲- پیرنیا، دکتر حسین: مالیه عمومی مالیاتها، بودجه‌ها، انتشارات کتابخانه ابن سینا، ۱۳۴۸ ص ۲۲۰

۳- ارفعی، عالی: مجلس و پژوهش، شماره ۴، از انتشارات مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۷۲، ص ۲۲۶

۴- قاضی، ابوالفضل: حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸، ص ۵۴۱

۵- زندی حقیقی، منوچهر: مالیه، بودجه، خزانه، انتشارات آذر، ۱۳۴۶، ص ۲۱۲

## حقوق

خورشیدی، نحوه تعیین اعضای دیوان محاسبات و صلاحیت آن و مسأله چگونگی ترتیب و تنظیم اداره دیوان، توسط متمم قانون اساسی یا با احاله به قانون عادی، تعیین گردید و مبانی قانونی لازم برای ایجاد چنین نهادی فراهم آمد. طبق اصل «۱۰۱» متمم قانون اساسی، نحوه تعیین اعضای دیوان بدین ترتیب مشخص گردید:

«اعضای دیوان محاسبات کشور را مجلس شورای ملی برای مدتی که به موجب قانون مقرر می‌شود، معین خواهد نمود».

قبل از پیروزی انقلاب، این اصل مشخص و حساس، نادیده گرفته می‌شد، بدین ترتیب که وزیر مالیه، رئیس و دادستان دیوان را انتخاب می‌نمود و احکام آنان را به تأیید و امضای شاه می‌رساند. صلاحیت دیوان محاسبات به موجب اصل «۱۰۲» متمم قانون اساسی با تفصیل لازم بدین شرح بیان شده است:

«مأمور معاینه و تفکیک حساب اداره مالیه و تفریغ محاسبات کلیه محاسبین خزانه است و مخصوصاً باید مواظبت نماید که هیچ یک از فقرات مخارج مقید در بودجه، از میزان مقرر تجاوز ننموده و تغییر و تبدیل نپذیرد و هر وجهی از محل خود به مصرف برسد و همچنین معاینه و تفکیک محاسبات کلیه ادارات دولتی را انجام دهد و اوراق سند خرج را جمع‌آوری نماید و صورت

## تاریخچه دیوان محاسبات قبل از انقلاب اسلامی

قبل از انقلاب مشروطیت و در دوران استبداد، علاوه بر تحمیلات گوناگونی که به ناحق بر مردم روا می‌شد، به علت فقدان ابزاری جهت نظارت بر اعمال زمامداران جامعه، نظارت و کنترل و دخالتی بر اجحافات حکومت مطلقه نبود. با انقلاب مشروطه و تأسیس قوه مقننه که «مجلس شورای ملی» نام گرفت، نظر به اهمیت امور ملی در حیات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور و ضرورت رسیدگی و نظارت بر آن، «دیوان محاسبات» پا به عرصه حیات گذاشت و اولین بار «دیوان محاسبات» در متمم قانون اساسی مشروطیت مصوب ۱۳۲۵ هجری قمری (۱۲۸۶ خورشیدی) پیش بینی گردید.

### ۱- دیوان محاسبات در متمم قاسر

#### اساسی مشروطیت

در متمم قانون اساسی مصوب ۱۲۸۶

کلیه محاسبات مملکتی را به انضمام ملاحظات خود به مجلس شورای ملی تقدیم نماید».

در این اصل از تهیه لایحه تفریغ بودجه توسط دولت سخنی به میان نیامده ولی روح و متن آن حکایت از تهیه تفریغ بودجه توسط دیوان محاسبات می نماید. با این همه در کلیه قوانین مصوب مجلس شورای ملی در مورد «دیوان محاسبات» و محاسبات عمومی، صحبت از لایحه «تفریغ بودجه» شده که تهیه آن بر عهده قوه مجریه بوده است.

طبق اصل «۱۰۳» متمم قانون اساسی مشروطیت، ترتیب و تنظیم اداره دیوان محاسبات به قوانین عادی محول گردید. به طور کلی نظر وضع کنندگان متمم قانون اساسی این بوده که دیوان محاسبات به صورت یک واحد مستقل و جدا از تشکیلات دولتی، با آزادی و استقلال نسبت به امور مالی کشور، نظارت کرده و در باره محاسبات خزانه مملکت رسیدگی و اظهار نظر نموده و نتیجه کار را به مجلس ارائه نماید<sup>(۶)</sup>.

۲- اولین قانون دیوان محاسبات کشور در راستای اجرای اصول ۱۰۱، ۱۰۲ و ۱۰۳ متمم قانون اساسی، اولین قانون دیوان محاسبات کشور در ۲۳ صفر ۱۳۲۹ هجری قمری مطابق با ۱۲۹۰ خورشیدی در ۱۴۱ ماده به تصویب مجلس شورای ملی رسید. در اولین قانون دیوان محاسبات با توجه به فاصله اندک آن با زمان تصویب متمم

قانون اساسی مشروطیت، تا حدودی فکر وضع کنندگان قانون اساسی، در باره قدرت قانونی دیوان محاسبات و انتخاب اعضای آن منعکس گردید که با فراهم بودن شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی لازم، این سازمان با اعضای منتخب مجلس و مستقل از قوه مجریه، می توانست با آزادی و استقلال کامل، بدون بیم و پروا از قوه مجریه، به حساب وزرا نظارت و به محاسبات خزانه دولت، رسیدگی نماید<sup>(۷)</sup>. امری که نه تنها هرگز جامه عمل نپوشید بلکه به جای تکامل و اقتدار قانونی در میان سایر نهادهای دولتی، روز به روز از شأن و منزلت و اعتبارش کاسته گردید.

#### ۱-۲- تشکیلات دیوان محاسبات

تشکیلات دیوان محاسبات طبق مواد اولین قانون دیوان محاسبات مصوب ۱۲۹۰ خورشیدی عبارتند از:

۱- ریاست

۲- دادسرای دیوان

۳- سه محکمه

۴- دفتر کل

به موجب این قانون، اعضای دیوان محاسبات را (به غیر از مدعی العموم و یک یا دو نفر وکیل عمومی «دادیار» دادسرای دیوان محاسبات)، مجلس شورای ملی تعیین می کرد. بدین ترتیب که وزیر مالیه عده ای که نباید کمتر از دو برابر تعدادی

۶- کیایی نژاد، زین الدین: دیوان محاسبات و قدرت قانونی آن، مجله کانون وکلا، س ۱۶، ش ۸۸ بهمن و اسفند ۱۳۴۲ خورشیدی

۷- همان

## حقوق

مسائل مربوط به ترفیع و عزل آنها، با اظهار نظر دفتردار کل و تصویب رئیس دیوان بود (ماده ۱۷).

دادسرای دیوان محاسبات از ارکان دیگر دیوان بود، که از مدعی العموم (دادستان) و یک یا دو نفر وکیل عمومی (دادیار) و یک دفتر تشکیل می‌گردید. با وجود صراحت متمم قانون اساسی و تعیین اعضای دیوان توسط مجلس شورای ملی، به موجب اولین قانون دیوان محاسبات، مدعی العموم از طرف دولت و به موجب فرمان شاه تعیین می‌گردید (ماده ۱۵).

یک یا دو نفر وکیل عمومی (دادیار) را در صورت لزوم، وزیر مالیه با فرمان شاه منصوب می‌کرد.

قانون صفر ۱۳۲۹ هجری قمری برای عزل اعضای دیوان، راه حل زیر را پیش بینی کرده بود:

«با تقاضای وزیر مالیه یا رئیس کل دیوان محاسبات با حضور تمام اعضای محاکم، مذاکره و اخذ رأی به عمل می‌آمد و نتیجه توسط وزیر مالیه جهت کسب تکلیف به مجلس شورای ملی پیشنهاد می‌گردید» (ماده ۲۰)

جهت جلوگیری از اعمال نفوذ قوه مجریه حتی حقوق ماهانه اعضای دیوان محاسبات و دفتردار کل و مدعی العموم در فهرست ضمیمه قانون، مشخص و تعیین شده بود که همراه با لیست حقوق سایر اعضا و مستخدمین دیوان که عده آنها در

باشند که می‌خواهند انتخاب شوند؛ داوطلبان منتخب باشند، به مجلس شورای ملی پیشنهاد می‌کرد. مجلس شورای ملی عده لازم را از میان آن اشخاص (یا خارج از آنها) که واجد شرایط زیر باشند، انتخاب می‌نمود:

۱- داشتن تابعیت ایران

۲- دارای حداقل سی سال سن

۳- داشتن شرایط عمومی همانند کلیه مستخدمین ادارات دولتی

مواد ۱۲ و ۱۳ قانون صفر ۱۳۲۹ هجری قمری (۱۲۹۰ خورشیدی) مصوب مجلس شورای ملی، چگونگی انتخاب رئیس کل دیوان و رؤسا و اعضای محاکم و اعضای ممیزی را تعیین نموده بود. به این ترتیب که مجلس شورای ملی رئیس را به صورت فردی و سایر اعضا را جمعی انتخاب می‌کرد. رئیس کل و سه نفر رؤسای محاکم با اکثریت مطلق و ۱۸ نفر دیگر با اکثریت نسبی انتخاب می‌گردیدند و این ۲۲ نفر از میان ۱۸ نفر (غیر از رئیس کل و رؤسای محاکم) ۶ نفر را با اکثریت مطلق برای مستشاری انتخاب می‌نمودند و ۱۲ نفر بقیه، سمت ممیزی را به عهده می‌گرفتند.

دفتردار کل با رأی اکثریت مطلق اعضای دیوان انتخاب می‌شد که می‌توانست برای هر نوع تحریراتی در محاکم حاضر شود (ماده ۴) سایر اعضای دفتر را دفتردار کل معین می‌کرد که با تصویب رئیس کل دیوان در شغل لازم گمارده می‌شدند.

اعتبارات معینه

۷- حق درخواست هر نوع اطلاع و اسناد مربوط به عایدات و مخارج دولت از وزرا و ادارات و عمال آنها

۸- صلاحیت مکاتبه مستقیم با وزرا و ادارات و عمال آنها و خواستن توضیحات و اسناد لازم

۹- اخطار به وزارتخانه‌هایی که نقصی در اجرای قوانین و نظامنامه‌های مربوط به امور مالیه در ادارات متبوعه‌شان مشاهده گردد

۱۰- مراقبت بر عدم تجاوز مخارج از بودجه و تأدیة وجوه بر طبق مقررات

۱۱- جلوگیری از انتقالات غیر قانونی در بودجه مصوبه

در مجموع دیوان محاسبات حداقل به لحاظ نظری و قانونی در اولین قانون دیوان محاسبات مصوب صفر ۱۳۲۹ هجری قمری مجلس شورای ملی، دارای صلاحیت موجه و قابل توجهی بود که در صورت اجرا، می‌توانست منشأ تحولات مهمی در امور مالی، محاسباتی و اداری کشور گردد. ولی در عمل دیوان محاسبات از اواخر حکومت صمصام‌السلطنه (۱۳۰۲ خورشیدی) عملاً از فعالیت باز ایستاد<sup>(۸)</sup>.

۳- قانون دی ماه ۱۳۱۲ خورشیدی دیوان محاسبات

دومین قانون دیوان محاسبات کشور در

نظامنامه داخلی معین می‌گردیده، همه ساله جزو بودجه وزارت مالیه به مجلس شورای ملی پیشنهاد می‌شد (ماده ق.د. م ۱۳۲۹ هجری قمری).

۲-۲- صلاحیت دیوان محاسبات

اولین قانون دیوان محاسبات با توجه به فاصله اندک وضع آن با آغاز انقلاب مشروطه، اختیارات نسبتاً گسترده‌ای برای دیوان محاسبات پیش بینی کرده بود که در صورت اجرا می‌توانست منشأ دستاوردهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مهمی باشد که متأسفانه به دلیل بی ثباتی سیاسی و کم رنگ گردیدن دموکراسی و کاهش نقش مردم در حاکمیت، این امر تحقق نیافت. به طور کلی صلاحیت دیوان را با توجه به مواد مختلف قانون ۱۳۲۹ هجری قمری دیوان، می‌توان به شرح ذیل «احصاء» نمود:

۱- نظارت و تفتیش بر عایدات و مخارج دولت

۲- مراقبت بر صاحبان جمع مطابق شرایط مقرر

۳- رسیدگی به حسابهای وزیر مالیه و سایر وزرا از روی اسناد و حسابهای تقدیمی صاحبان جمع

۴- رسیدگی و صدور حکم در مورد متصدیان نقود دولتی و یا اجناس در حکم نقود

۵- رسیدگی و تفتیش حسابهای بانکها و کمپانیهای داخله و خارجه و اشخاص دارای امتیاز که باید حقی به دولت بدهند

۶- امضای حوالجات وزرا در حدود

۸- بخشی مؤخر، حمیدرضا، شناخت اجمالی با اهداف و دستاوردهای دیوان محاسبات کشور، روزنامه سلام، ش ۱۹۰۶۹۱ مهر ۱۳۷۲.

می گردید.

وزیر مالیه به موجب ماده «۵» ممیزین دیوان محاسبات و اعضای دفتری محاسبات را در حدود مقررات قانون استخدامی، تعیین می کرد.

رئیس و مستشاران شعب سه گانه و ۹ عضو قائم مقام بسدین شرح انتخاب می گردیدند:

وزیر مالیه ۲۷ نفر را از میان مستخدمین رسمی دولت به مجلس شورای ملی پیشنهاد می کرد، مجلس از بین آنها ۱۸ نفر را معین می نمود که وزیر مالیه ۹ نفرشان را به ریاست و عضویت شعب سه گانه دیوان محاسبات منصوب می کرد (م ۳) در حالی که در قانون قبلی (۱۳۲۹ هجری قمری) رؤسای سه گانه محاکم با اکثریت مطلق آرای نمایندگان انتخاب می گردیدند و این افراد می توانستند (خارج از افراد پیشنهادی) وزیر مالیه هم باشند. بنابراین انتخاب رئیس کل و رؤسای شعب توسط وزیر مالیه و مقید بودن مجلس شورای ملی به انتخاب اعضا از میان مستخدمین رسمی دولت یا افراد پیشنهادی وزیر مالیه و انتخاب مدعی العموم توسط وزیر مالیه، افزایش سلطه و نفوذ وی بر دیوان محاسبات و در نتیجه وابستگی بیشتر دیوان به قوه مجریه را نشان می دهد.

طبق قانون ۱۳۱۲ دیوان محاسبات، انتخاب اعضای دیوان هر سه سال یک بار تجدید می شد و انتخاب مجددشان بلامانع بود (بند الف م ۳).

۲۴ دی ماه ۱۳۱۲ خورشیدی با تغییرات زیادی در ۵ فصل و ۴۱ ماده به تصویب مجلس شورای ملی رسید و دیوان از فروردین ۱۳۱۳ مجدداً فعالیت خود را از سر گرفت.

این قانون که در زمان وزارت دارایی «داور» به تصویب مجلس شورای ملی وقت رسید با اصلاحاتی که بعداً در آن صورت گرفت اختیارات دیوان را محدودتر، ولی میزان نفوذ و اختیارات وزیر دارایی را در انتخاب اعضای دیوان محاسبات بیشتر از سابق نمود که به شرحی که در پی خواهد آمد ابتدا تشکیلات و سپس صلاحیت دیوان محاسبات را مطابق این قانون توضیح می دهیم:

### ۳-۱- تشکیلات دیوان

در این قانون برای دیوان محاسبات سه شعبه پیش بینی شده بود، هر شعبه مرکب از یک رئیس و دو مستشار که رئیس شعبه اول، سمت ریاست کل دیوان را نیز برعهده داشت.

دیوان دارای ۹ عضو به عنوان قائم مقام و هر یک از شعب به تعداد کافی ممیز داشت (م ۱)

در رأس دادسرای دیوان محاسبات، مدعی العموم قرار گرفته بود که دارای یک دفتر و عده کافی وکیل عمومی (دادیار) بود. مدعی العموم دیوان محاسبات از طرف وزیر مالیه و به موجب فرمان شاه تعیین

یکی دیگر از صلاحیتهای دیوان، رسیدگی قضایی یا محاکمه محاسبات است. ماده «۲۸»، محاکمه رسیدگی به حساب مأموران در دیوان محاسبات را علنی مقرر کرده است.

در مورد رسیدگی به حساب مأمورین، ماده «۲۱» می‌گوید: «دیوان محاسبات درباره حسابهای مأمورانی که مأمور و یا متصدی دریافت و پرداخت و محافظ وجوه دولتی و یا اجناسی که در حکم نقود هستند، رسیدگی کرده و حکم می‌دهد. دیوان نسبت به حساب صاحبان جمع اموال دولت رسیدگی کرده و تصدیق می‌دهد.»

به موجب ماده ۲۲ (ق.د.م) احکام دیوان محاسبات در مورد حسابهای مذکور در ماده «۲۱» بدون استیناف خواهد بود.

احکام دیوان دارای ضمانت اجرایی هم بود. چنانکه به موجب ماده ۲۴ (ق.د.م) هرگاه مهلت تسلیم صورت حساب صاحب جمعی منقضی شود دیوان محاسبات می‌تواند به جرم این امر حکم کند تا مبلغی که از نصف حقوق و مدت معاش سالانه او تجاوز نماید از مقرری صاحب جمع کسر شود و نیز می‌تواند نسبت به اهمیت مورد، پس از رسیدگی به درجه قصور یا تقصیر، حکم انفصال موقت یا دائم او را صادر نماید.

به موجب قانون ۱۳۱۲ شمسی دیوان محاسبات در صورت ارتکاب عملی مشمول قوانین جزایی، موضوع توسط مدعی العموم دیوان جهت تعقیب به وزارت عدلیه اطلاع داده می‌شد.

اشخاصی که نامشان خواهد آمد نمی‌توانستند به ریاست یا عضویت دیوان محاسبات منصوب گردند مگر اینکه قبلاً از انتصاب، از شغل خود استعفا داده باشند:

۱- نمایندگان مجلس شورای ملی و اعضای انجمنهای بلدی

۲- کسانی که دارای شغل دولتی بوده یا متصدی یکی از معاملات دولتی باشند (بند ب م ۳).

### ۲-۳- صلاحیت دیوان محاسبات در قانون ۱۳۱۲ خورشیدی

طبق این قانون، «دیوان موافق قوانین و نظامات، در عایدات و مخارج اموال دولتی نظارت و تفتیش می‌نماید» (م ۶ ق.د.م).

دیوان تنها به نظارت اکتفا نمی‌کند بلکه مطابق ماده «۷» به حسابهای وزارتخانه‌ها و ادارات مستقلة دولتی و صاحبان جمع رسیدگی نموده و در صورت صحت حساب، «تصدیق نامه مطابقت» و یا به اصطلاح «مفاصا» حساب می‌دهد.

همچنین دیوان محاسبات مراقبت خواهد کرد که مخارج از بودجه و اعتبارات مصوب تجاوز ننماید (م ۱۳ ق.د.م). در حدود نظامنامه‌های مربوط، کلیه اسناد راجع به معاملات و تعهدات و تصویب مخارج، باید در دیوان محاسبات ثبت و تسجیل گردد (م ۹ ق.د.م). در غیر این صورت در موقع گزارش سالانه، صورتی از آن اسناد و احکام و میزانی که برخزانة دولت از آن راه تحمیل می‌گردد، جداگانه تنظیم و ضمیمه لایحه تفریح بودجه می‌شود (م ۱۰).

### ۴- قانون ۱۳۵۲ خورشیدی دیوان محاسبات

این قانون با تغییرات کلی در قانون ۱۳۱۲ دیوان محاسبات و اصلاحات آن، در ۳۷ ماده و چهار تبصره در اردیبهشت ۱۳۵۲ به تصویب مجلسین وقت رسید. تشکیلات و صلاحیت دیوان را براساس این قانون بررسی می‌کنیم:

#### ۴-۱- تشکیلات دیوان

براساس این قانون، دیوان در امور مالی و اداری استقلال داشته و در بودجه کل کشور اعتبار جداگانه‌ای بر آن منظور گردید ولی از نظر سازمانی وابسته به وزارت دارایی بود.

برای دیوان محاسبات، ۵ شعبه پیش‌بینی شده بود که رئیس شعبه اول سمت ریاست کلی دیوان را برعهده داشت. دیوان دارای یک دادسرا و تعداد کافی ممیز حساب و مستخدمین اداری بود که در رأس دادسرا، دادستان دیوان قرار داشت.

با افزایش نفوذ قوه مجریه بر دیوان محاسبات، ریاست کل دیوان با پیشنهاد وزیر دارایی و فرمان شاه منصوب و قائم‌مقام رئیس کل از بین رؤسای شعب به پیشنهاد رئیس کل و با حکم وزیر دارایی تعیین می‌گردید.

با امعان نظر به افزایش وابستگی تشکیلات دیوان به قوه مجریه و کاهش برخی اختیارات آن در این قانون نسبت به قانون ۱۳۲۹ هجری قمری دیوان، با اصلاحات ۱۳۱۴ و ۱۳۱۷ و ۱۳۱۸ خورشیدی، لطمه بزرگی به اختیارات و امتیازات دیوان وارد شد<sup>(۹)</sup>.

چنانکه رسیدگی به حوالات قبل از پرداخت و تطبیق آن با اعتبارات مصوب و مقررات با دیوان محاسبات بود که در سال ۱۳۱۸ از دیوان منتزع و به وزارت دارایی محول گردید و بدین ترتیب اعمال نظارت بر جریان اجرای بودجه در این رابطه متوقف شد.

نظارت دیوان در رسیدگی به موجودی ذی‌حسابی‌ها از مؤثرترین وسائل به کشف تخلفات و سوء جریانات در رسیدگی به حسابها بود که این اختیار با اصلاحیه سال «۱۳۱۸» از دیوان سلب و به اداره «رسیدگی و تمرکز کل حسابها»ی وزارت دارایی واگذار گردید.

در راستای نظارت بر اموال و داراییهای دولت، دیوان محاسبات کسانی را که به نام ذی‌حساب اموال منصوب می‌کرد که با داشتن مسئولیت حفظ اموال دولت، همه ساله صورت اموال را برای رسیدگی به دیوان محاسبات ارسال می‌نمود. این مورد هم با اصلاحیه سال «۱۳۱۸» از صلاحیت دیوان حذف شد<sup>(۱۰)</sup>.

۹- کیایی‌نژاد، زین‌الدین «دیوان محاسبات و قدرت قانونی آن» محکمه کانون وکلا، س ۱۶ ش ۸۸، همن و اسفند ۱۳۴۲  
۱۰- پیرنیا، حسین، مالیه عمومی، مالیاتها و بودجه‌ها، تهران، کتابخانه ابن سینا، ۱۳۴۸، ص ۳۱۴



حساب هزینه‌ها و پرداختها و اسناد مربوط از لحاظ انطباق با مقررات این قانون و قانون بودجه و سایر قوانین و مقررات مالی از وظایف دیوان محاسبات بود.

رسیدگی و صدور رأی مقتضی در مورد صورتمجلس تحویل و تحول و حساب کسری ذی حسابان و جمعداران و تخلفات مأموران ذی ربط در اجرای قوانین و مقررات مربوط از دیگر صلاحیتهای دیوان محاسبات بود.

دیوان محاسبات در صورت عدم تسلیم به موقع مدارک و حسابها از سوی مسؤولان مربوط، توسط شعب مستشاری به جریان امور رسیدگی می‌کرد و می‌توانست مسؤول یا مسؤولان امر را به یکی از مجازاتهای اداری مقرر محکوم نماید:

- ۱- کسر حقوق و فوق‌العاده‌های ماهانه مستخدم تا یک سوم از سه ماه تا ۶ ماه.
- ۲- برکناری از خدمت از سه ماه تا یک سال.
- ۳- انفصال موقت از سه ماه تا یک سال.
- ۴- اخراج از خدمت وزارتخانه یا مؤسسه دولتی متبوع.
- ۵- انفصال دائم از خدمت دولت.

مجازاتهای برشمرده مانع از تعقیب مأمور متخلف در صورت ارتکاب جرم در مراجع ذی صلاح نخواهد شد.

طبق ماده ۲۲ (ق.د.م) در صورتی که دیوان محاسبات ضمن رسیدگی به حسابها، به عملی برخورد نماید که مشمول یکی از قوانین جزایی باشد، مکلف است موضوع را از طریق دادستان دیوان محاسبات برای

دادستان دیوان از میان مستخدمین وزارت دارایی با مدرک لیسانس (بی ذکر اسم لیسانس خاصی در قانون) و پانزده سال سابقه خدمت توسط وزیر دارایی منصوب می‌شد. دادیاران از بین مستخدمین وزارت دارایی با مدرک لیسانس و سه سال سابقه خدمت و در غیر این صورت از بین کارمندان رسمی وزارت دارایی با حداقل ده سال سابقه خدمت در امور مالی به پیشنهاد دادستان و حکم وزیر دارایی منصوب می‌شدند.

مستشاران دیوان از بین مستخدمین رسمی دولت به شرط دارا بودن حداقل مدرک لیسانس، داشتن حداقل ۱۵ سال سابقه خدمت رسمی دولت، داشتن سابقه حداقل یک دوره سمت مستشاری دیوان محاسبات، قبل از اجرای این قانون و یا داشتن حداقل ۲ سال سمت مدیر کلی در امور مالی یا پیشکاری دارایی و نداشتن بیش از ۶۰ سال سن انتخاب می‌شدند. به این صورت که وزیر دارایی ظرف ۳ ماه پس از افتتاح هر دوره قانونگذاری مجلس شورای ملی، نام چهل نفر از کارمندان واجد شرایط را به مجلس پیشنهاد می‌کرد، مجلس شورای ملی براساس گزارش کمیسیونهای دارایی و بودجه، ۱۵ نفرشان را به عنوان مستشار اصلی و پنج نفر را مستشار جانشین، انتخاب و به وزارت دارایی معرفی می‌نمود.

۴-۲- صلاحیت دیوان در قانون ۱۳۵۲ رسیدگی به حساب درآمدها و دریافتها از نظر تحویل وجوه وصولی به خزانه و

### ۱-۱- لایحه خاتمه خدمت مستشاران دیوان محاسبات

پس از انقلاب در رابطه با دیوان محاسبات، اولین بار در تاریخ ۱۳۵۸/۴/۱۷ «لایحه خاتمه خدمت مستشاران دیوان محاسبات» به تصویب شورای انقلاب رسید که به موجب آن اداره دیوان به یک هیأت سه نفری (با یک رئیس و دو عضو)، که با پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی و تصویب هیأت وزیران و تأیید نهایی شورای انقلاب تعیین می‌شدند، واگذار گردید<sup>(۱)</sup>. سپس در ۱۳۵۸ دو اصل قانون اساسی جمهوری اسلامی بدان اختصاص یافت.

### ۱-۲- دیوان محاسبات کشور در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب مجلس خبرگان (بررسی نهایی قانون اساسی) در سال ۱۳۵۸، در پی تلاشها و پیگیریهای برخی از کارکنان و کارشناسان دیوان محاسبات و ذکر مسأله در پیش‌نویس قانون اساسی، در دو اصل، خطوط اساسی تشکیلات و وظائف و اختیارات آن را معین کرد.

به موجب اصل ۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دیوان محاسبات برخلاف قوانین و مقررات قبل از انقلاب زیر نظر قوه مقننه قرار گرفت که سازمان و

تعقیب به مراجع صلاحیتدار اعلام نماید. این امر مانع از ادامه رسیدگی به حساب مزبور در دیوان محاسبات نخواهد گردید.

دادستان دیوان مکلف به ابلاغ آرای دیوان به دستگاههای ذی‌ربط و مراقبت بر اجرای آن بوده و در صورت بلااجرا ماندن از طرف مأموران مسؤل، مراتب را برای تعقیب مأمور مذکور به مراجع صلاحیتدار اعلام می‌نماید و نتیجه را به اطلاع دیوان محاسبات می‌رساند (ماده ۲۳ ق.د.م).

آرای شعب دیوان ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ رأی، از طرف محکوم علیه یا دادستان قابل تجدیدنظر است (ماده ۲۵ ق.د.م). مراجع تجدیدنظر هیأتی مرکب از دو نفر از رؤسای شعب و سه نفر از مستشاران دیوان محاسبات می‌باشند که از طرف رئیس کل دیوان محاسبات انتخاب می‌شوند. ریاست هیأت تجدیدنظر با یکی از رؤسای شعب عضو هیأت به تشخیص رئیس کلی دیوان محاسبات خواهد بود.

### دیوان محاسبات پس از انقلاب اسلامی ۱- دیوان محاسبات تا تصویب قانون ۱۳۶۱ خورشیدی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اصلاحات و تغییراتی در مقررات مربوط به دیوان محاسبات صورت گرفت، که به شرح مختصر آنها می‌پردازیم:

۱- عمید رنجانی، عباسعلی: فقه سیاسی، ج ۱، انتشارات امیرکبیر، جنب دوم، ۱۳۶۸، ص ۵۰۲

اداره امور آن در تهران و مراکز استانها به موجب قانون تعیین خواهد شد.

با استقلال دیوان محاسبات از قوه مجریه، و قرار گرفتن تحت پوشش قوه مقننه، تعیین سازمان و تشکیلات و اداره امور دیوان به عهده قوانین عادی گذارده شد.

در اصل «۵۵» قانون اساسی وظایف و اختیارات دیوان محاسبات کشور به این ترتیب معین گردید:

«دیوان محاسبات به کلیه حسابهای وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکتهای دولتی و سایر دستگاههایی که به نحوی از انحا از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند، به ترتیبی که قانون مقرر می‌دارد، رسیدگی و یا حسابرسی می‌نماید که هیچ یک از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد. دیوان محاسبات، حسابها و اسناد و مدارک مربوط را برابر قانون جمع‌آوری و گزارش تفریغ بودجه هر سال را به انضمام نظرات خود به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌نماید. این گزارش باید در دسترس عموم گذاشته شود».

#### ۱-۳- ماده واحده ۱۳۵۹

مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۵۹/۱۲/۲۸ خورشیدی ماده واحده‌ای تحت عنوان «قانون تجدیدنظر در قانون محاسبات و تشکیلات اداری دیوان مزبور»، نحوه انتخاب رئیس و دادستان دیوان محاسبات کشور را مشخص کرده که طبق

آن با پیشنهاد کمیسیون دیوان محاسبات مجلس شورای اسلامی و تصویب نمایندگان صورت می‌گیرد.

یکی از اشکالات این قسمت از مصوبه، آن است که مشخص نکرده کمیسیون دیوان محاسبات پس از افتتاح مجلس چگونه و توسط چه مرجعی پیشنهاد انتخاب رئیس را باید به مجلس شورای اسلامی بدهد و از سوی دیگر، مجلس شورای اسلامی با چه اکثریت رأیی این پیشنهاد را تصویب می‌کند. در زمینه گزینش هیأت‌های مستشاری دیوان محاسبات مقرر شده که آنان از میان افراد امین و متدین و متخصص دیوان و یا افراد دیگر فارغ از شرایط مندرج در قانون ۱۳۵۲ دیوان محاسبات، با پیشنهاد رئیس دیوان تصویب کمیسیون دیوان محاسبات مجلس شورای اسلامی به عمل آید.

به موجب بند ۴ ماده واحده مزبور، دیوان محاسبات کشور صلاحیت یافت که در تمام امور مالی کشور تحقیق و تفحص نماید و در تمامی موارد مستقیماً مکاتبه و ارتباط برقرار کند و تمام مقامات جمهوری اسلامی و قوای سه گانه و ادارات تابعه و کلیه اشخاص و سازمانهایی که به نحوی از انحا از بودجه کل کشور استفاده می‌نمایند مکلف به پاسخگویی مستقیم به دیوان محاسبات کشور گشتند.

#### ۱-۴- ماده واحده ۱۳۶۰ خورشیدی

در تاریخ ۱۳۶۰/۶/۱ خورشیدی براساس ماده واحده‌ای با سه تبصره، قانون رسیدگی به پرونده‌های «کسری جمعداری»

## حقوق

مغایر با این قانون ملغی شد و مقررات آن تغییر بنیادی نمود. این قانون در ۴۶ ماده و ۱۱ تبصره در ۱۳۶۱/۱۱/۱۱ خورشیدی به تصویب مجلس رسید.

### ۱-۲- تشکیلات دیوان محاسبات در

قانون ۱۳۶۱

براساس ماده «۹» قانون دیوان محاسبات مصوب ۱۳۶۱ مجلس شورای اسلامی، دیوان در امور مالی و اداری استقلال داشته و اعتبار آن با پیشنهاد دیوان پس از تأیید کمیسیون دیوان محاسبات و بودجه مجلس شورای اسلامی جداگانه در لایحه بودجه کل کشور منظم می‌شود. اعضای تشکیلات دیوان عبارتند از: رئیس، ۲ معاون، به تعداد لازم مشاور، دادستان، دادیاران، تعداد کافی حسابرس و ممیز حساب و کارشناس فنی، مستخدمین اداری، ۴ هیأت مستشاری در تهران و ۴ هیأت مستشاری و دادیار مقیم در ۴ منطقه کشور و اعضای محکمه تجدیدنظر.

رئیس و دادستان دیوان محاسبات کشور پس از افتتاح هر دوره قانونگذاری به پیشنهاد کمیسیون دیوان محاسبات و بودجه مجلس شورای اسلامی و تصویب نمایندگان ملت انتخاب می‌شود و برکناری آنان با پیشنهاد کمیسیون دیوان محاسبات و تصویب اکثریت نمایندگان مجلس شورای اسلامی صورت می‌گیرد (مواد ۱۱ و ۱۴).

رئیس و دادستان تا انتخاب و معرفی

به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و طبق آن برای تسهیل و تسریع در رسیدگی و اتخاذ تصمیم نسبت به پرونده‌هایی با عنوان «کسری جمع‌داری»، اعم از نقدی و جنسی و اوراق بهادار و پرونده‌هایی در اجرای مواد ۳۶ (ناظر به مواد ۳۳ و ۳۴) و ۶۳ و ۸۷ و ۸۸ و ۹۱ قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۴۹، تا تاریخ ۵۷/۱۰/۱، رئیس دیوان کمیسیونی متشکل از دو نفر از اعضای متخصص دیوان محاسبات به انتخاب خود، یک نفر از طرف کمیسیون دیوان محاسبات و بودجه مجلس شورای اسلامی و دو نفر نماینده وزارت امور اقتصادی و دارایی ترتیب دهد تا به طور کدخدامنشی و با توجه به اوضاع و احوال هر مورد، خارج از تشریفات مقرر در قانون دیوان محاسبات مصوب ۱۳۵۲ عمل و اتخاذ تصمیم نمایند. نظرات کمیسیون در محدوده این ماده قطعی و اکثریت مناط اعتبار بود.

### ۲- قانون دیوان محاسبات مصوب ۱۳۶۱

خورشیدی

بعد از پیروزی انقلاب تا تصویب قانون ۱۳۶۱ دیوان محاسبات، بیشتر قوانین به صورت ماده واحده‌هایی که تکلیف موارد خاصی را مشخص می‌کرد به تصویب شورای انقلاب و یا مجلس شورای اسلامی رسید و در واقع با تصویب این قانون بود که طبق ماده ۴۵ آن، قانون دیوان محاسبات مصوب ۱۳۵۲ و مواد اصلاحی آن در موارد

اعضای جدید در هر دوره قانونگذاری به کارشان ادامه خواهند داد و انتخاب مجددشان بلامانع است (م ۱۸).

اعضای هیأت‌های مستشاری توسط رئیس دیوان، ظرف دو ماه پس از دریافت حکم از میان ۴۰ نفر پیشنهادی واجد شرایط (کارکنان امین و متدین و متخصص در امور دیوان محاسبات و یا افراد دیگر واجد شرایط) برای کمیسیون دیوان محاسبات و بودجه مجلس شورای اسلامی انتخاب می‌شوند. بدین ترتیب کمیسیون مذکور ۲۴ نفرشان را به عنوان اعضای اصلی هیأت‌های مستشاری و ۸ نفر را به عنوان عضو جانشین انتخاب و به رئیس دیوان معرفی می‌کنند (مواد ۱۶ و ۱۷).

## ۲-۲- صلاحیت دیوان در قانون ۱۳۶۱ دیوان محاسبات کشور

«احصاء» موارد صلاحیت دیوان محاسبات کشور در این قانون، با نظم بیشتر نسبت به مقررات قبل از انقلاب صورت گرفته است و اختیارات دیوان در مقایسه با آخرین قانون قبل از انقلاب دیوان محاسبات (یعنی ۱۳۵۲) افزایش یافته است. با توجه به اینکه دیوان محاسبات زیر نظر قوه مقننه فعالیت می‌نماید، اعمال نفوذ قوای دیگر بر آن بسیار کمتر گردیده است. که به شرح زیر موارد صلاحیت آن را برمی‌شمریم:

۱- داشتن صلاحیت تحقیق و تفحص در تمام امور مالی کشور در انجام وظائف خود و تبیین تکلیف برای تمام مقامات

جمهوری اسلامی و قوای سه‌گانه و سازمانها و ادارات تابعه و کلیه اشخاص و سازمانهای استفاده کننده از بودجه کل کشور، با حق پاسخگویی مستقیم به مکاتبات دیوان (م ۴۲).

۲- حسابرسی یا رسیدگی کلیه حسابهای درآمد و هزینه و سایر دریافتها و پرداختها و نیز صورتهای مالی دستگاهها از نظر مطابقت با قوانین و مقررات مالی و سایر قوانین مربوط و ضوابط لازم الاجرا.

۳- رسیدگی به موجودی حساب اموال و داراییها (م ۴).

۴- رسیدگی به حساب کسری ابوابجمعی، تخلفات مالی هرگونه اختلاف حساب مأموران ذی ربط دولتی در اجرای قوانین و مقررات به ترتیب مقرر در این قانون.

۵- اعلام نظر در خصوص لزوم وجود مرجع کنترل کننده داخلی و یا عدم کفایت مرجع کنترل کننده موجود در دستگاههای مورد رسیدگی با توجه به گزارشهای حسابرسیها و رسیدگیهای انجام شده جهت حفظ حقوق بیت‌المال.

۶- بررسی وقوع عملیات مالی در دستگاهها به منظور اطمینان از حصول و ارسال صحیح و به موقع درآمد و یا انجام هزینه و سایر دریافتها و پرداختها.

۷- بررسی جهت اطمینان از برقراری روشها و دستورالعملهای مناسب مالی و کاربرد مؤثر آنها در جهت نیل به اهداف دستگاهها.

۸- تجزیه و تحلیل لایحه تفریغ بودجه

## حقوق

کارشناسان دیوان محاسبات کشور در جهت انجام وظائف آنان.

ح: پرداخت و دریافت‌هایی که خلاف قوانین موجود به دستور کتبی مقامات مسؤول صورت گیرد.

ط: تأیید و یا صدور رأی نسبت به گزارش‌های حساب‌برسان داخلی و خارجی شرکتها و مؤسسات و سازمانهای مربوط.

تبصره - این هیأتها در صورت احراز وقوع جرم و یا تخلف از ناحیه مسؤول یا مسؤولان، ضمن اعلام رأی، پرونده‌ها را جهت صدور حکم مقتضی به مراجع صالحه ارسال خواهند داشت.

با اصلاحات به عمل آمده بویژه در ۱۳۷۰/۵/۲۰ در قانون دیوان محاسبات، نه تنها موارد رسیدگی قضایی دیوان افزایش یافت بلکه ضمن برطرف شدن برخی ابهامات موجود، قانونگذار صلاحیت صدور رأی و حق اعمال مجازاتهای اداری و جبران ضرر و زیان وارده را به هیأت‌های مستشاری اعطا نموده است. صلاحیت و رسیدگی قضایی دیوان و نحوه دادرسی و اجرای آرا و احکام هیأت‌های مستشاری و محکمه تجدیدنظر دیوان محاسبات، بحث مستقلی را می‌طلبد که در مجال دیگری به آن خواهیم پرداخت.

ارسالی از طرف قوه مجریه و تهیه و ارائه گزارشی حاوی نظرات دیوان برای مجلس شورای اسلامی<sup>(۱۲)</sup>.

۹- صلاحیت و رسیدگی و انشای رأی توسط هیأت‌های مستشاری دیوان محاسبات از جمله در موارد مذکور در ماده ۲۳ به شرح زیر:

الف: عدم ارائه صورتهای مالی، حساب درآمد و هزینه، دفترهای قانونی و صورتحساب کسری و یا اسناد و مدارک در موعد مقرر به دیوان محاسبات.

ب: تعهد زائد بر اعتبار و یا عدم رعایت قوانین و مقررات مالی.

ج: عدم واریز به موقع درآمد و سایر منابع تأمین اعتبار منظور در بودجه عمومی به حساب مربوط و همچنین عدم واریز وجوهی که به عنوان سپرده یا وجه الضمان و یسا وثیقه و یا نظایر آنها دریافت می‌گردد.

د: عدم پرداخت به موقع تعهدات که موجب ضرر و زیان به بیت‌المال می‌گردد.

ه: سوءاستفاده و غفلت و تسامح در حفظ اموال و اسناد و وجوه دولتی و یا هر خرج نادرستی که باعث اتلاف یا تضييع بیت‌المال بشود.

و: پرونده‌های کسری ابوابجمعی مسؤولان ذی‌ربط

ز: ایجاد موانع و محظورات غیرقابل توجیه از ناحیه مسؤولان ذی‌ربط دستگاهها در قبال ممیزان و یا حساب‌برسها و سایر

۱۲- با اصلاحیه مورخ ۱۳۷۰/۵/۲۰، این وظیفه دیوان به صورت تهیه و تدوین گزارش تفریغ بودجه به انضمام نظرات خود و ارائه آن به مجلس شورای اسلامی درآمد.

۳- اصلاحیه‌ها و قوانین مصوب درباره

دیوان محاسبات پس از ۱۳۶۱

۳-۱- قانون اصلاح مقررات دیوان مصوب

۱۳۶۲ خورشیدی

با توجه به نیاز مبرم در امر تسریع رسیدگی به کلیه حسابهای وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکتهای دولتی و سایر دستگاهها و نظارت بر عملکرد مالی و رفع مشکلات فوری، در این رابطه ماده واحده‌ای در دو بند و سه تبصره در تاریخ ۱۳۶۲/۴/۱۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید که در آن تا تصویب و ابلاغ آیین‌نامه‌های اجرایی قانون ۱۳۶۱ و تشکیلات و مقررات استخدامی، به دیوان اجازه داده شد که:

حسابهای کلیه دستگاههای اجرایی سال ۱۳۶۱ به بعد را به جای انجام وظائف و تشریفات میزان اسناد و حسابهای سنوات قبل، رسیدگی و یا حسابرسی نموده و نتایج را جهت طرح در مجلس به اطلاع کمیسیون دیوان محاسبات و بودجه و امور مالی مجلس شورای اسلامی برساند.

رئیس دیوان موظف گردید تا طرح تشکیلات و آیین‌نامه‌های اجرایی قانون ۱۳۶۱ دیوان محاسبات را ظرف مدت ۲ ماه از تاریخ تصویب این قانون تهیه کرده و پس از تصویب مجلس، اجرا نماید.

دیوان محاسبات باید در اجرای وظایف قانونی خود طوری عمل کند که همیشه حسابهای جاری و سال قبل را در دست رسیدگی داشته باشد.

۳-۲- ماده واحد ۱۳۶۳ خورشیدی درباره

دیوان

ماده واحد ۱۳۶۳ قانون اصلاحیه قانون دیوان محاسبات، ضمن افزایش تعداد معاونان دیوان، تسهیلاتی را در امر معرفی افراد برای هیأت‌های مستشاری توسط رئیس دیوان و اعلام نام مسؤول یا مسؤولان متخلف به مراجع صالحه جهت صدور حکم مقتضی تا زمان تشکیل هیأت‌ها معین کرد و تا زمان تکمیل شدن اعضای هیأت‌های مستشاری، رسمیت جلسه هیأت عمومی دیوان با حضور دوسوم اعضای حاضر و تصمیم‌گیری با رأی حداقل سه چهارم اعضای حاضر در جلسه معتبر باشد.

به موجب این اصلاحیه، خلاصه گزارشهای رسیدگی یا حسابرسی شده، باید به اطلاع کمیسیون دیوان محاسبات و بودجه و امور مالی مجلس برسد.

طبق این اصلاحیه در صورتی که رئیس دیوان در یک نوبت نتواند ۴۰ نفر را ظرف دو ماه پس از دریافت حکم به کمیسیون دیوان محاسبات جهت انتخاب اعضای هیأت‌های مستشاری معرفی کند، باید حداقل ۲۰ نفر را به کمیسیون دیوان محاسبات معرفی و در صورت عدم موفقیت طی این مدت، مستعفی شناخته می‌شود. وی پس از ۴ ماه از معرفی اول، ۲۰ نفر دوم را معرفی می‌نماید. با وجود صراحت قانون ۱۳۶۱ و حکم صریح تبصره ۳ ماده ۱۶ قانون دیوان در معرفی و انتخاب اعضای هیأت مستشاری ظرف دو ماه، بنا به گزارش رئیس وقت دیوان در خرداد ۱۳۷۲ به مجلس

## حقوق

«صورتحساب عملکرد سالانه بودجه کل کشور هر سال را حداکثر تا پایان دی ماه سال بعد تنظیم و پس از تأیید هیأت وزیران جهت تهیه گزارش تفریغ بودجه به دیوان محاسبات ارسال دارد».

با تصویب این قانون، ماده «۸» قانون دیوان محاسبات ۱۳۶۱ (که وظیفه دیوان را تجزیه و تحلیل لایحه تفریغ بودجه ارسالی از طرف قوه مجریه می شمرد و بدین دلیل تهیه تفریغ بودجه به صورت لایحه برعهده قوه مجریه بود)، منتفی گردید و تهیه گزارش تفریغ بودجه به عهده دیوان محاسبات قرار داده شد ولی وزارت امور اقتصادی و دارایی هم مکلف به ارسال صورتحساب عملکرد سالانه بودجه کل به دیوان محاسبات گردید.

۳-۴- اصلاحیه ۱۳۷۰ خورشیدی قانون دیوان محاسبات

قانون اصلاح قانون دیوان محاسبات کشور که در تاریخ ۱۳۷۰/۵/۲۰ خورشیدی شامل ۱۵ ماده و ده تبصره به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، بیشترین اصلاحات را در قانون ۱۳۶۱ دیوان سبب گردید و برخی ابهامات موجود را برطرف نمود و با افزوده شدن ۲ تبصره دیگر به ماده ۲۳ قانون ۱۳۶۱، صلاحیت اعمال مجازاتهای اداری هم به سایر وظایف دیوان افزوده شد.

با اصلاحیه بند «ج» ماده «۱» قانون ۱۳۶۱ دیوان، اصلاح و تهیه و تدوین

شورای اسلامی، هیأت‌های مستشاری در مهر ۱۳۶۴ احکام خود را دریافت داشتند، بنابراین عملاً دستورهای روشن قانون ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ در رابطه با معرفی افراد واجد شرایط در مدت محدود به کمیسیون دیوان محاسبات جهت انتخاب اعضای هیأت‌های مستشاری، نادیده گرفته شده است. در یکی از تبصره‌های این ماده واحده تأکید گردیده که خلاصه گزارشهای رسیدگی یا حسابرسی شده کلیه دستگاههای اجرایی، پس از بررسی دیوان محاسبات و هیأت‌های مستشاری ظرف مدت یک ماه از تاریخ تنظیم گزارش، باید جهت اطلاع به کمیسیون دیوان محاسبات و بودجه و امور مالی مجلس شورای اسلامی ارسال شود.

۳-۳- قانون تفریغ بودجه در سالهای پس از انقلاب

تهیه تفریغ بودجه و انضمام نظرات از اصلی‌ترین وظایف دیوان محاسبات می‌باشد که تا تصویب قانون ۱۳۶۵ و تبیین شرایط، ابهاماتی درباره چگونگی تهیه و ارگان مجری و مسؤول انجام این وظیفه وجود داشت.

این قانون در ۱۰ ماده و پنج تبصره (جهت تعیین تکلیف قطعی سازمان مسؤول تهیه تفریغ بودجه و وظایف دیگر سازمانها) به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

در ماده «۱» قانون ۱۳۶۵ تفریغ بودجه، وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف شد:



کارساز موجود، با امید به کارایی هر چه بیشتر دیوان و تحکیم جایگاه درخور آن در میان سایر نهادهای کشورمان، پیشنهادهایی را برای موفقیت هرچه بیشتر دیوان در اعمال کنترل و نظارت و پاسداری از بیت‌المال و حفظ حقوق عمومی به شرح زیر ارائه می‌نماید:

- ۱- نظارت فعالانه مجلس شورای اسلامی، به ویژه کمیسیون دیوان محاسبات، بودجه و امور مالی مجلس بر عملکرد دیوان
- ۲- ضرورت جذب افراد متخصص بویژه در امور مالی و حقوقی و آموزش نیروهای موجود
- ۳- لزوم افزایش اعتبارات و امکانات دیوان، متناسب با تکالیف قانونی آن
- ۴- افزایش تعداد شعب دادیاری با به کارگیری افرادی با تحصیلات رشته‌های حقوقی و آشنا به مسائل امور مالی
- ۵- اختصاص شعبه‌ای از محاکم قضایی ذی صلاح توسط قوه قضائیه برای رسیدگی سریع به پرونده‌های ارجاعی از دادرسی دیوان محاسبات
- ۶- استمرار کار محکمه تجدیدنظر برای رسیدگی به موقع به مواد و تقاضای تجدیدنظر و حضور دائمی حاکم شرع در این محکمه
- ۷- جلوگیری از عدم اجرا یا وقفه طولانی در آرا و احکام قطعی هیأت‌های

گزارش تفریغ بودجه و ارائه آن به مجلس شورای اسلامی، از وظایف دیوان محاسبات محسوب شد.

هیأت‌های مستشاری در ۴ منطقه کشور حذف و دیوان حداقل دارای ۳ و حداکثر ۷ هیأت مستشاری گردید.

با افزایش سه تبصره به ماده «۲۱»، گامی دیگر در ارتقای ضمانت اجرایی دیوان برداشته شد. مثلاً به موجب تبصره «۱» در صورت خودداری از ارائه صورت حساب ماهانه یا سالانه و سایر صورتهای مالی و اسناد و مدارک مورد نیاز به دیوان، دادستان دیوان به محض اطلاع از استتکاف، موظف به تنظیم دادخواست علیه مسؤول یا مسؤولان متخلف جهت طرح در هیأت‌های مستشاری می‌گردد.

به موجب ماده ۱۴ اصلاحی، مواد ۳۸ و ۴۳ قانون ۱۳۶۱ دیوان محاسبات و ماده واحده اصلاحیه قانون مزبور، تبصره‌ها و بندهای ماده واحده مصوب ۱۳۶۳/۳/۳ مجلس شورای اسلامی لغو شد. طبق ماده ۱۵ این اصلاحیه، ماده ۴۷ به قانون دیوان محاسبات ملحق گردید و به موجب آن، ادامه عضویت دیوان محاسبات ایران در سازمانهای بین‌المللی، مؤسسات عالی حسابرسی «ایستوسای» و سازمان آسبایی مؤسسات مالی حسابرسی «آسوسای» بلامانع اعلام شد.

#### ● پیشنهادها

با در نظر گرفتن سیر تحولات حقوقی دیوان و لحاظ نمودن مقررات جدید و

مستشاری و محکمه تجدیدنظر

۸- مطلع کردن مردم از جریان عملکرد دیوان برای استفاده از اهرم افکار عمومی در پیشبرد اهداف دیوان

۹- انتشار آرای هیأت‌های مستشاری و احکام محکمه تجدیدنظر، به منظور نقد و بررسی و تحلیل صاحب‌نظران.  
۱۰- لزوم برخورد فعال هیأت عمومی دیوان با آرای معارض شعب هیأت‌های مستشاری دیوان، در موارد مشابه با صدور رأی وحدت رویه.

۱۱- کاهش هرچه بیشتر تعداد دستگاه‌های خارج از شمول قانون محاسبات عمومی توسط قوه مقننه

۱۲- نظارت جدی بر اجرای قوانین و مقررات مالی مؤسسات و شرکت‌های دولتی با توجه به سهم قابل توجه آنها در بودجه کل و فعالیت‌های اقتصادی کشور

۱۳- لزوم تهیه گزارش تسفیری بودجه با انضمام نظرات توسط دیوان در هر سال و تسلیم آن به مجلس و برخورد قانونی قاطع با اهمال کاریها و تعلل ورزیها در این رابطه

۱۴- در دسترس عموم قرار دادن گزارش‌های تفریغ بودجه سالانه.